

دکترتسا<sup>۵</sup> ایمان بدیع داشت و خانم اکنس الکساندر نیز مساعدهت نمود و در همان ایام رساله نمره ۴۹ راهم طبع کردند و در سال ۱۹۲۶ بهمت مسترزی از اهل مانچوکر توسط خانم فنچ امریکائی فائز با ایمان گشت جزوه با اسم مجله در چین طبع و نشر گشت و سپس در سال ۱۹۳۱ که مجدداً خانم اکنس الکساندر از ژاپون و هارتاروت از امریکا وارد شنکهای شدند و دکترتسا<sup>۵</sup> بشنگهای آمد مجالس عمومی توسط اسپرانتیت ها و احبافراهم گردید و بیشتر اعلام امرگشت و رساله و ابلاغیه برای امرابهی بلغت اسپرانتو و انگلیسی طبع و نشر گردید و مجلس ۱۹ روزه مقرر داشتند دکترتسا<sup>۵</sup> کتاب دکتر اسلمونت<sup>۶</sup> بها<sup>۵</sup> اللوعصر جدید را بچینی ترجمه کرد و با مصاریف یک خانم امریکائی طبع و نشر گشت و بعداً حضرت شوقی ربانی یکصد ونه لیره فرستادند که خطابه های حضرت عبدالبها<sup>۵</sup> در پاریس و کتاب ایقان و رساله های دیگر و رساله در بیان امرابهی و لوح عالم و مقاله مقصد بهائیان و راه صلح و نیسز خطابه یکنفرزا پونی در چین راجع باین امروسه فصل کتاب بها<sup>۵</sup> الله و عصر جدید که قبلاً ترجمه نشد ترجمه و طبع گشت و از آن پس کتاب مفاوضات نیز بلغت چینی ترجمه گردید و در جراند بواسطه مقالات و در مجامع بالقاء خطابات اعلان امرشد و اغلب مقالات بقلم دکترتسا<sup>۵</sup> مذکور نشر گردید.

## آلمان

مؤلفین مشهور اروپائی در حق این امر گویند و نیکولای  
فرانسوی و یارن روزن روسی پرفسور بیرون انگلیزی معروف آند  
و اساساً آغاز نشر این امر در پاریس و اروپا شاید مطابق سال  
۱۳۱۶ هـ . ق بود و سال ۱۸۹۸ م میس می آلیس بلس  
امریکائی یعنی میس ماکسول در پاریس اقامت کرده بنشستر  
این امر پرداخت و میس کراپرا انگلیسی در انگلستان قیام بنشر  
این امر کرد و هر دو از زیارت عکا و حضور محضر حضرت عبدالبهاء  
مراجعت کرده بودند و تا هزار و نهصد مسیحی این امر در  
فرانسه و انگلستان مستقر بود آنگاه با آلمان رفت چنانچه  
دکتر فیسترد رانجا قیام نمود و در سال ۱۹۰۷ م ———  
المانویلاک آلمانی مقیم امریکا با آلمان رفته همی نشر نمود و از  
معارف و محترمین بهائیان آلمان کونسول البرت شوارز از  
اهل استوتگارت در ایام مسافرت حضرت عبدالبهاء در اروپا  
انذاب کامل یافت و متدرجاً قیام بر خدمت با مرکز و در  
سالهای اخیر رئیس محفل ملی آلمان بود تا در ۱۳ جنوری  
۱۹۳۱ بسن شصت سالگی درگذشت و نیز دکتر گروسمان  
کونتس اورلیا بشلن اطریشی در سالی ۱۹۱۱ در طریق  
رنگون و کلکته وارد بمبئی شد و در برخی از بلاد مهمه خطاب به  
عموم ادا کرده بحیفا رفت .

## انگلستان

بريك ويل جوانيکه تقريباً درحد ودسال ۱۹۰۰ فائز  
 بايمان گرديد ه بعکامنجدبانه تشرف بمحضر مبارک جست و  
 بعد از عودت والدنيش راتيليف نمود وچند سالی طول نکشيد  
 بمرض سل درياريس درگذشت والواح عديده خطاب بساو  
 نزول يافت بعد از رحلتش زيارت نامه پراز تاثير و تکرار " يسا  
 عزيزي يا بريك ويل " صادر گرديد ومسس کروپر مسس مارکريت  
 بروی مسس روزه مسترد انيال جنکين مسيس کليک بستى  
 نابت پروفيسور چيني ونيز گينرو مس ياندل بياتريس مارتين  
 مس بلانش کتساک اتل لورانس مستر مکتايک مستر ريک  
 مسيس جورج اعلى جامپيون انى کميل مسيس فلورانس  
 مارشال مس العلى فلورانس نيشون مس چاک مس روزنبر  
 مس بوکتن مسيس فرانپير مس هاوس مستر ومسيس هوايست  
 مستر ومسيس اريک هاموند مستر بهروز همسايه خانم  
 مسيس انتوهون دکتر اسلمونت مسيس انشوون مس هيلدس  
 مستر لزلزى تيودر پيل ساکن لندن ونش او در سال  
 ۱۹۱۰ م ۱۳۲۸ هـ ق حضرت عبدالبهاء رفته برگشته  
 قيامى مخصوص بنشر امراهي نمود ديگر مسيس استنارد کسه  
 سفرى تنها وياز در سال ۱۹۱۴ با دکتر کتسنيگرو لواد ريمبى  
 وداخله هند وممالک برآمدتى سفرو تلهيف کرد .

دیگر لیدی بلا مقلید ستاره خانم از خاندان اشراف ساکن لندن دخترانش پروین خانم نوری خانم وردته خانم که برای این امر کتاب

را تالیف و طبع و نشر کرد اولاً در پاریس ازین امر شنید پس بواسطه مسیس کراپرد رانگلستان تکمیل شد و بنوعیکه در بخش سابق آوردیم در سال ۱۹۱۱ حضرت عبدالبهاء با همراگان وادعمرت خود پذیرائی کرده و خود با او دختران بمجلسی دیگر انتقال گزید و همه روزه علی الصباح بعمارت آمده تمام روز را خود بشخصها پذیرائی پرداخت و پیوسته محترمیین و محترمت را بشرف ملاقات برخوردار ساخت و اقامت در آن عمارت ایامی چند بطول انجامید و بملاحظه آسایش او خواستند به هوتلی اقامت فرمایند ولی او و دختران راضی نشدند و اصراری در پی کردند و لذا در طول ایام لندن در آن عمارت اقامت فرمودند و اولین صورت فتوغرافی آن حضرت در خانه وی شد که در بخش سابق نگاشتیم و سپس باری دیگر که آنحضرت در حال عودت از امریکا وارد لندن شدند باز لیدی مذکوره با اصرار تمام ایشانرا در همان عمارت مهمانداری و پذیرائی نمود و او و دخترانرا با اسماء ایرانی نام کردند و ویراستاره خواندند و چون حضرت شوقی ربانی برای تحصیل در اکسفورد عازم لندن شدند حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب بلیدی مذکوره چنین فرمودند شوقی افندی با نصفحات میاید البته او را پسر خود شناسید و آنچه مقتضای مادرین است مجسری

دارید و اوطبق دستور بجان و دل در خدمات و سرپرستی  
 کوشید تا چون واقعه جانگداز فرقت انوار میثاق رخ داد و  
 حضرت شوقی را خبر رسید ه چنان متأثر شدند که ایامی مریض  
 گشتند و هنگام عزیمت شان بحیفا لیدی مذکوره تمامت امور  
 شخصی خود را در لندن وا گذاشته مادرانه همراه شد تا  
 بحیفا رسیدند و بالجمله لیدی مذکوره از اول فوزیایمان الی  
 خاتمه الحیات بانواع فعالیت و کوشش در پیشرفت این امر  
 و خدمات و نصرت نسبت بمركز میثاق عمر گذراند و چون در بسیار  
 از مؤسسات خیریه مانند مؤسسه کودکان یتیم و فقیر و مؤسسات  
 بین المللی در سوئیس و مؤسسات متنوعه نسوان در انگلستان  
 و فرانسه و سوئیس و غیرها سعی میکرد و نشر نفحات امریه نیز در  
 آنجاها هم نمود و باروح و حال جذاب و بیان فصیح خویش  
 تاثیر در قلوب افکند و از آثارش چنانچه در بخش سابق آوردیم  
 رساله در شرح واقعه جان گزاری غیبت انوار رخشان میثاق  
 و دیگر شرح زندگانی و سیر جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء  
 را در ایام اقامتش در حیفا از حضرت ورقه مبارکه علیا و از پیران  
 و سالخوردهگان گرفته ترجمه بانگلیسی کرد بعداً در لندن  
 بطبع رساند و نیز با دختران بیانات روزانه حضرت عبدالبهاء  
 را در پاریس نوشته جمع کرده بلسان انگلیسی در لندن طبع  
 نمود که موسوم و معروف بنام بیانات سرکار آقا در پاریس و



بوسیله خانصی بهائی اطلاع ازین امر یافته و مکتب این امسر رسید و در سال ۱۹۱۶ فائز بایمان گردید و بنشر نفعات الله و خدمت بتشکیلات بهائی پرداخت و کتاب معروفش بنسبام بهاء الله و عصر جدید را در مدت جنگ بین الملی نوشت و بعد از ختم جنگ نسخه<sup>ای</sup> بحضور حضرت عبدالبهاء فرستاد و او را بحیفا خواستند و لذا در سال ۱۹۱۹ تشریف بحضور یافت و دستور تغییر و تنقیص و تکمیلی در آن کتاب بوی دادند که کتابش بآن طریق انجام یافته و رسائل - دیگری هم بنام " بهاء الله و بیفامش " و " نهضت بهائی چیست " و " اعمال بهائی " نوشت و کتاب مذکورش بالسن مختلفه ترجمه و منتشر شد و او بالاخره در سال ۱۹۲۵ درگذشت .

دیگر  
مسس کلودیسا  
ستوارد کولزد رواشنگتن ندای امر شنیده فائز بایمان گردید و بسال ۱۹۲۰ بلندن رفته و یاد دختر و نواده اش زیست و در سالهای اخیر منشی محفل بهائیان انگلستان گردید و سالها بدین امر خدمت کرد تا بسال ۱۹۳۲ در لندن درگذشت .

سوئیس

وازدانشمندان شهیر اروپائی بهائی

پروفسور اگوست فورل

فیلسوف معروف سوئسی از علمای طبیعی و معرفه النفس و علوم روحانی که چون دماغ و سلسله اعصاب سیصد نوع مورچه را تشریح و مطالعه کرد بنام خداوند مورچه مشهور گشت در سال ۱۹۲۰ از داماد خود که بهائی بود در خصوص امر بهائی شنیده به تحقیق برخاست و همانگاه عریضه حاوی مسئله چند بمحض حضرت عبدالبهاء فرستاد و در جوابش خطابی معروف بلوح دکتر فورال صدور یافت که موجب ایمانش شد و ابلاغی منتشر ساخت که ترجمه اش چنین است اولین دفعه من در سال ۱۹۲۰ در شهر کارلسروهه در باره دیانت جهانی بهائی که توسط حضرت بهاء الله پیغمبر ایرانی هفتاد سال قبل در شرق تاسیس یافته مطلع شدم این دیانت حقیقی است که مصالح اجتماعی انسانی را محفوظ میدارد و عوائد باطله و طبقه کشیش ندارد و جمیع نفوس را در خاکدان کوچک ترابی متحد میسازد من بهائی شده ام و منتهی آمال و آرزویم این است که این دیانت از لحاظ خیر و صلاح عالم انسانی دوام و پیشرفت نماید سپس بنشر مقالات و ترویج تعالیم این امر در جریده و مجلات و غیره همت گماشت تا بسال ۱۹۳۱ در سن ۸۲ سالگی درگذشت.



مسیو هیپولیت ریفوس از نژاد اسرائیل از خاندان  
 محترم شهیر و زوکلا و متمولین در حدود سال ۱۳۱۷ هـ  
 فائز بایمان گشت که پدرش نیز بایمان آورد و سال ۱۳۲۸ هـ  
 در سن ۷۰ سالگی در پاریس درگذشت و او در سال  
 ۱۳۱۸ سفری بعکا کرده ایامی در جوار افاضال حضرت  
 عبدالمهیا بسربرد و آنحضرت از وی پرسیدند که آیا نسبیست  
 بخاندان ریفوس مشهور منتهی میگردد جواب عرض نمود  
 نه فرمودند امیدم اینست که بواسطه انجام خدماتی سترگ  
 در امر حضرت بهاء الله شهرتی مافوق شهرت خاندان  
 ریفوس کنی و اولفت فارسی و عربی بیاموخت و در سفر دیگر هم  
 بعکا مشرف گردید و سفری بی تبلیغ امر ابهی بهند وستان  
 سال ۱۹۰۴ کرد و باتفاق مس بارنی و مادام لشنی بسال  
 ۱۳۲۴ سفری از طریق روسیه بقفقاز و ترکستان عشق آباد  
 و غیره بایران و هند نمود و بامریکا رفتند و در مجامع خطابه ها  
 در خصوص این امر داد و با هم ازدواج کردند و رساله بنام  
 بهائیت در لغت فرانسه از و است که بقارسی و غیره ترجمه  
 گشت و چون لغت فارسی و عربی نیک بدانست کتب و رسائل  
 و الواح بسیاری را از اصل فارسی و عربی بلغت فرانسه ترجمه  
 کرد و در ایام سفر حضرت عبدالمهیا بار و پا خدمت بسیار کرده

خطابات مبارکه را به فرانسه ترجمه نمود و ما قبت به سال ۱۳۴۷  
درگذشت و بعضی دیگر از بهائیان ساکن فرانسه مسیو مادام

اسکات

دیگر من سند رسن

دیگر مادام مارو

دیگر مسیو مادام رشاد

و از ایرانیان و غیرهم نیز بسیاری بتناوب اقامت و شرکت در

محفل و خدمات نمودند .

## ایالات متحده امریکا شمالی

ابراهیم جورج خیرالله لبنانی الاصل ساکن مصر  
 در سال ۱۸۹۲ هـ. ق باحداد مسیحی شامی تاجر قالیسی  
 وارد ایالات متحده شمالیه امریک شد و بنوعیکه در بخش  
 ششم ضمن شرح احوال و نیز در بخش سابق نگاشتیم در سال  
 ۱۳۱۲ هـ. ق و مطابق ۱۸۹۵ م شروع بنجاح در تبلیغ  
 نمود و حداد مذکور هم در نیویورک ایمان آورده و ترجمه  
 الواح پرداخت و خیرالله از طریق تیا سوفی و شاسخ کسه  
 مذاقش بود جمال ابهی را الا اتارد و از دهم میخوانسد و در  
 دو سال اول پنج تن از مومنین فراهم کردند نخست مستر چیس  
 دوم مسس آیوز سوم مس میلر خیرالله دختر انگلیسی که با وی  
 ازدواج کرد چهارم دکتر پیز پنجم مستر هور و میلر و کترینز  
 بعد اناقض شدند و لوگتسینگرشان نزد همین نفوس مومنه  
 امریکا واقع شد و بدین طریق جمعی کثیر فائز ایمان گشتند تا  
 بنوعیکه در بیان احوالش آوردیم بسال ۱۹۰۰ مسس هرست  
 متموله منجد به در ایمان باد کتر گتسینگر زیارت حضرت  
 عبدالبهاء در عکاشتاقتند و یک هفته بعد از ایشان خیرالله  
 روانه شد و از جمله احوالش در ایام تشریف بجوار آن حضرت  
 اینکه توقع داشت کتاب مؤلف او را امضاء فرمایند و با حساب  
 امر فرمایند هر کس نسخه از آن بگیرد و قبول نکرده فرمودند

اغلاط بسیار درین کتاب موجود است و چون خواست امر فرمایند هر کس نسخه از آن بگیرد و قبول نکرد ه فرمودند اغلاط بسیار درین کتاب موجود است و چون خواست برگردد مسیس هرست را مامور مصر فرمود ه از مصاحبش بازداشتند و در کتبخانهها مورشد که هرگاه توبه و رجوع در خیر الله حاصل نشود فوراً اعلان نقض و طرد او نماید ولی خود او به همسایه بهائیان نیویورک مخالفت خود را اعلان کرد و در آن هنگام در نیویورک از ویست الی سید و در شیکاگو هزاروپانصد الی د و هزار و دویست و د ه نفر در اتیکا پانزده نفر در واشنگتن صد تن در بالتیمور شصت و هفت نفر در فیلا دلفیا بیست و پنج در جرزی ستن پنجاه در سانفرانسیسکو بیست نفر بیست و سی بودند و بیورود او در شیکاگو ۲۶ و در نیویورک پنج نفر ناقص گشتند و تا سال ۱۳۱۷ که بواسطه عقائد ناصواب و اعمال شهوانی و جلب مال و غرور خود و هم اضلال ناقضین مرد و گرد و جمع کثیر در شیکاگو و کنوشه و نیویورک و فیلا دلفیا و کنزاس و ای تاکا و غیرها اقبال با مرابهی آوردند و الواحی با انگلیسی ناقص خود ترجمه کرد و کتب و مقالاتی آمیخته با فکار مقبیه از خود نشر داد و عده مقبلین و منجد بین را قریب سه هزار تن گفته اند و از معارف آنان مستر ارشود اچ و مستر چیس و مسس گودال و مستر هوار و مکنات و مسس هارت و مسس البوت و دکتر گرنزی و

و در کتبخانهها مورشد که هرگاه توبه و رجوع در خیر الله حاصل نشود فوراً اعلان نقض و طرد او نماید ولی خود او به همسایه بهائیان نیویورک مخالفت خود را اعلان کرد و در آن هنگام در نیویورک از ویست الی سید و در شیکاگو هزاروپانصد الی د و هزار و دویست و د ه نفر در اتیکا پانزده نفر در واشنگتن صد تن در بالتیمور شصت و هفت نفر در فیلا دلفیا بیست و پنج در جرزی ستن پنجاه در سانفرانسیسکو بیست نفر بیست و سی بودند و بیورود او در شیکاگو ۲۶ و در نیویورک پنج نفر ناقص گشتند و تا سال ۱۳۱۷ که بواسطه عقائد ناصواب و اعمال شهوانی و جلب مال و غرور خود و هم اضلال ناقضین مرد و گرد و جمع کثیر در شیکاگو و کنوشه و نیویورک و فیلا دلفیا و کنزاس و ای تاکا و غیرها اقبال با مرابهی آوردند و الواحی با انگلیسی ناقص خود ترجمه کرد و کتب و مقالاتی آمیخته با فکار مقبیه از خود نشر داد و عده مقبلین و منجد بین را قریب سه هزار تن گفته اند و از معارف آنان مستر ارشود اچ و مستر چیس و مسس گودال و مستر هوار و مکنات و مسس هارت و مسس البوت و دکتر گرنزی و

من انامل وغيرهم بودند .

وبالجملة خطابات ومناجات بسيارى از حضرت عبدالبهاء  
بعنوان خيرالله وديگرمؤمنان ومنجذبان وطالبان در آنکشور  
شامل جذب وشوق ومعرفت ودستوربي در بي صدور يافت كسه  
غالباً عربى بود وترجمه مينمودند وعنوان آنها بدين وتيسره  
مى باشد :

هو الله يا من انجذب بنفحات انتشرت من رياض موهبة الله  
قل قد فتح الله بيد القدرة والقوة ابواب النجاح ونسارى  
منادى الافراح حتى على الفلاح يا جواهر الارواح فى اصداق  
الاشباح فابشروا بهذا اليوم المشهود والورد المورود الخ " و  
" هو الله احبائه الله فى امريكا عليهم بهاء الله الابهى  
هو الرب الرحيم يا ابناى الملكوت ان سلطان الملكوت قد  
استقر على سرير الناسوت وان شمس اللاهوت قد سطعت و  
لاحت من افق الجبروت والعزة لها والسلطنة لها والعظمة  
لها ولمن استضاء بنورها واستفاض من فيض جودها وان رب  
الجنود الموعود فى التوراة ولسان داود قد ساق اجسواق  
ملائكته وافواج كتائبه الخ " و " هو الله احبائه الله  
فى امريكا عليهم بهاء الله الابهى

هو الله يا احبائه الله وابناى ملكوت الله ان السماء الجديدة  
قد اتت وان الارض الجديدة قد جاءت والمدينة المقدسة

اورشليم الجديدة قد نزلت من السماء من عند الله على  
هيئة حورية حسناء بديعة في الجمال الخ " و " الست  
لا من المحترمة هو المحبوب ايها الحقيقة الروحية تالله  
الحق ان سكان الملكوت يصلون عليك الخ " و " الخواجه  
تشابس المحترم هو المحبوب يا من انجذب من مغناطيس  
الملكوت الخ " و " الدكتور بيز المحترم هو المقصود ايها  
السراج النوراني الخ " و " الست فورتش المحترمة هو الموجو  
ايها الجوهرة الروحية الخ " و " الست والكوت المحترمة  
هو الاقدس ايها الناطقة بثناء ربها الخ " و " الخواجه  
دبلي المحترم هو المقصود يا ابن الملكوت الخ " و " الخواجه  
لاين المحترم يا من نشر نفعات الله الخ " و " الخواجه  
وليم جيمس الروحي الملكوتي المحترم هو المقصود ايها الناطق  
بخطاب الملكوت الخ " و " الخواجه كرينليف المحترم الخ " و  
" الخواجه ماكتست وقرنيته المحترمة الخ " و " الست بـ  
تنهام ورجلها المحترمان ايها الخريفة الفراء شمري عن  
ساق الاجتهاد الخ " و " الخواجه دوج المحترم . . .  
ويلع قرينتك المحترمة يحييتي وسلامي وكذلك اولادك المحببين  
عندي " و " الست طالبت المحترمة الدوج المحترمة الست  
هارن المحترمة الست كوبرا المحترمة الدكتورة لند ريسرك  
المحترمة الخواجه وليم المحترم الست الن مور المحترمة

## الخواجه الطون المحترم .

و در سال ۱۹۰۱ م ۱۳۱۲ هـ ق حاجی  
 عبدالکریم تاجراصفهانی ساکن مصر که مبلغ خیرالله  
 بود حسب امر حضرت عبدالبهاء بامریکا رفت  
 وخیرالله بنصایحش التفاتی نکرد و بانقضین پیوست  
 بعد حضرت عبدالبهاء ویرامردود فرمودند و او با جمعی  
 که پیروش شدند در زمره مخالفین قرار گرفتند و  
 چون عبدالکریم مذکور را کاری از پیش نرفت و اوضاع  
 بهائیان آشفته و افکارشان ناموافق ماند لذا در  
 همانسال حاجی میرزا حسن خراسانی ساکن  
 مصر ( که تقریباً پنجمه در امریکا خصوصاً در شیکاگو  
 اقامت کرد ) و آقامیرزا اسدالله اصفهانی باموسی  
 رفیع کلیم و سپس حسین روحی بعنوان مترجم  
 منخر برای تحکیم بنیان عهد و میثاق و تبلیغ امر بهی  
 بامریکا رفتند و ناقضین عگا خبر یافته میرزا غلام الله بن محمد  
 جواد قزوینی را فرستادند و چندی بعد از ورود وی مقالاتی  
 از جانب خیرالله در رد حضرت عبدالبهاء منتشر کردند که  
 مقالاتی در جواب آنها از طرف میرزا اسدالله و سایر احباب نام  
 بیت العدل بهائیان نشر یافت و چون ترجمه بانگلیسی را  
 قوتی مزید در خور و ضرور مینمود حسب امر آنحضرت بسال ۱۳۱۹

پسرش میرزا امین فرید در سن بیست سالگی که تازه از تحصیل<sup>ت</sup>  
انگلیسی فراغت یافته بود برای ترجمه عربی و فارسی با انگلیسی  
بامریکا رفته مساعدت بدرگرفت والواح و آثار بسیار از جمال  
ابهی با انگلیسی ترجمه و طبع شد و صورت صلوة را ترجمه کردند  
و میرزا اسد الله خود تالیفاتی نمود و بواسطه پسر ترجمه و هم  
طبع و نشر کرده و از جنبه ناقضین کاست و امر ابهی و انوار عهد  
میثاق قوت گرفت و در همان سال ۱۳۱۹ حسب امر حضرت  
عبدالبهاء آقا میرزا ابوالفضل گلپایگانی با حاجی نیاز کسه  
ساکن مصر بودند با علی قلی خان کلانتر جهت مترجمی بامریکا  
رفتند که میرزا مدت سه سال در آن مملکت بسربرد و میرزا  
علی قلی خان کلانتر و حسین روحی برای ترجمه خطابات او در  
امریکا قرار جستند و مقالات آقا میرزا ابوالفضل و مخصوصاً رساله  
تألیفیه او بنام حجج البهیه ترجمه و طبع گشت و رایت امر  
ابهی و علم عهد و میثاق بلند گردید آنگاه میرزا احمد سهراب  
اصفهانى بعنوان ترجمه بن سال ۱۳۲۰ وارد امریکا شد و نزد  
آقا میرزا ابوالفضل گاهی ترجمه کرد و تعلیم امری یافت و  
و آقا میرزا ابوالفضل در سال ۱۳۲۲ عودت نمود و میرزا اسد<sup>الله</sup>  
و فریدماندند و اندک اندک جمعی از احباب امریک بلوغ  
و نبوغ حاصل کردند و برای نشر آثار امرابهی قیام کردند و لسی  
کم و بیش آثار نقض و اختلاف در میان بود تا آنکه حضرت



عبدالبهاء خود بسال ۱۳۲۹ بامریکا رفتند و قریب دو سال در ایالات متحده شمالی و کانادا مسافرت فرمودند و خطابات و بیاناتشان بواسطه ترجمه دکتر امین فرید انتشار یافت و هر چند در آن ایام خیرالله حرکت آخر بعمل آورد و دستگیری شعاع الله بن میرزا محمد علی اقداماتی کسود و خائب و خاسر گشت و ناقضین از میان رفتند و منجمدان حرارت گرفتند ولی فرید مذکور چهار خسران و سوء اعمال خود گشت و مرد و گردید و پدر و خواهر و امانش نیز تهیمت کرده بحرمان افتادند و از مابین جمیع ثابتین دور و مطرود گشتند و حضرت عبدالبهاء پس از عودت خود مجدداً برای نشر امر ابهائی و ایجاد اتحاد بین احباب میرزا اسدالله فاضل مازندرانی را بامترجم بامریکا بفرستاد که قریب یک سال نیم در ایالات متحده و کانادا خطابات داد و تبلیغ کرده آنگاه عودت نمود و در سال ۱۳۲۴ پروفیسور برکه الله هندی از جوانان تحصیل قدیم و جدید کرده مسلمین هندوستان که برای نشر اسلام سفر بامریکا کرد ملاقات و معاشرت با احباء حاصل نمود و منجذب بامر ابهائی گشت و در مجامع این طایفه منعقد شده در

چندی قبل مکتوبی از یک نفری بامریکا رسید موسوم به (گاش پرت) در اسکاتلند که در هفده سال قبل بمحضرمبارک حضرت بهاء الله رسید ولی آنوقت بهائی نبود و حال مردم رابهبشت روح بیورسبائی هدایت مینماید ضمن مکتوب واصل از احباب امریکاه مورخه ۱۳۲۴

نیویورک خطابه ها را کرد تبیین و توضیح معارف و تعالیم  
 بدیده نمود و چون بژاپون سفر کرد و مجله اسلام تاسیس نمود  
 روح مقاصد امرابهی را منتشر ساخت .

و اسامی و احوال معدودی از بهائیان بدین تفصیل است  
 مستر و مسیس فلیس ساکن واشنگتن

دیگر مس لوکتسز معروفه به تلو از قدما امریک در سال  
 ۱۳۱۶ برای تبلیغ از نیویورک سفریکالیفورنیا کرد و جمعی را  
 تبلیغ نمود و با تفاق آنان و شوهرش دکتر گتسز بکا مشرف شد  
 و ایشان گروه اول از زائرین امریکا بودند که بسال ۱۳۱۷  
 بیکا وارد شدند و لواد صرف اول از مبلغین امریک محسوب  
 بود که سیما روحانی و نطق موثر پیر جذبه اش قلوب کثیری را  
 بملکوت ابهی منجذب ساخت و پنج بار بیکا رفته تشریف بمحضر  
 حضرت عبدالبهاء حاصل کرد و با شوهرش بسال ۱۹۱۴  
 بمبئی سفر تبلیغ کردند و در یک سفرش مدت سالی بازی ساد ه  
 نسوان عکاد رجوار مبارک عبدالبهاء بسر برد ه کسب فیوضات  
 مینمود و آرزوی سیروسیاحت در ایران و فوز بشارات داشته  
 چندین بار بمحضر مبارک التجا کرد و هر بار جوابی معلواز حقیقت  
 و نصیحت بشنید و شوهرش دکتر گتسز بکا سالها تبلیغ کسب کرد و  
 کتابی مصور معلواز رموز علوم قدیمه ملل عتیقه و اخیره مکشوفه  
 در اسرار غریبه امرابهی نوشت .

دیگر مادام لورا کلیفورن باری در ریفس از قدما امریک بود که شاید قریب به پایان قرن ۱۹ م در پاریس بواسطه بهائیان امریکائی خبیرانین امریافته مومن گردید و پس از چند با مس روزنبرک از لندن در سال ۱۳۲۲ هـ . ق - ۱۹۰۴ م پس زیارت حضرت عبدالبها وارد عکاشد مدتی در جوار فضل بماند و تحصیل زبان فارسی و تعالیم امرابهی نمود و بموجب میل او حضرت عبدالبها آقا میرزا ابوالفضل را دستور سفر امریک دادند که باتفاق رهسپار شدند و مصارف سفر آقا میرزا ابوالفضل با او بود و آقا میرزا ابوالفضل در آغاز ورود بعملت تغییر هوا و اوضاع زندگانی بیمار شد و باری تلگراف بحضرت عبدالبها کرد در جواب تلگراف کردند که اگر برایشان سخت است اجازه عودت دارند و میرزا راضی بترك خدمت نگشته بماند ولی بیمار خفقان قلبی که داشت و بعملت ترك عادت در خان اندك مسلط گردید و باری باتفاق هیپولیت در ریفس فرانسوی که هنوز با هم ازدواج نکرده بودند مسافرت در ایران نمودند و در تمامت بلاد ایران خصوصاً طهران و تبریز و اصفهان پذیرائی و تجلیل لایق از ایشان بعمل آمد و در اصفهان میرزا اسدالله خان وزیر و فاتح الطلک مهمان نوازی بعمل آوردند و باری باری دیگر در سال ۱۳۳۵ بحیفا در محضر حضرت عبدالبها تشرف جست و چون ناقضین همت گماشتند که يك خانه مستاجر

آن حضرت را بمخالفت و معاندت برانگیزند و بالاخره وپسرا تحريك کردند که آنحضرت و عايله اش را برخیزانند با رنسی اصرار کرد که خانه را بنام آن حضرت بخرد ولی فرمودند که قباله خانه را بنام خود نماید و او نزد عايله آن حضرت بناله گفت که مگر ایمان مرا قبول ندارند و اصرار کرد ولی قبول نکردند و فرمودند خدمتی جلیله برای او در نظر گرفته ام و عاقبت پسران زنی غریبه که شوهرش مرده و خودش در خانه آنحضرت رختشوئی میکرد با و وا گذاشت که بیماریس برده مادر کفالت و تربیت نماید و بارنی در آغاز گمان برد که کودکان مذکور بهائی زاده اند و بعداً دانست که پدرشان عربی نابهائی بوده و بالجمله مادام در ریوس در فرانسه و امریک همیشه مورد انجام خدمات امریه بود و کتاب مفاوضات عبدالبهاء از نتایج ایام اقامت او در عکاست و هم حکایت نمایش بنام دلیران خدا را و تالیف نمود .

دیگر مسترهارکن اوهرکه بواسطه ست لوا ایمان آورد و سالها بتبلیغ مشغول گشت و در آثار حضرت عبدالبهاء مذکور است .

دیگر مستر و مسس اشتن ساکن دنورکه در شرح سفر حضرت عبدالبهاء در امریکا ست که در نیا پولیس منتظر ملتزم رکاب آن حضرت گردید .